

رابطه اختیار انسان با اراده خداوند یک رابطه طولی است.

◆ **علل عرضی:** در پیدایش هر پدیده ممکن چند عامل به صورت مجموعه و یا همکاری یکدیگر مشارکت کنند مانند رویش گل (باغبان، خاک، آب، نور و حرارت) یا مثلاً در جابجایی یک گلدان بزرگ دو نفر مشارکت می‌کنند که هر یک از عوامل به طور مستقل و به طور مستقیم نقش خاصی بر عهده دارند.

◆ **علل طولی:** تأثیر چند عامل در پیدایش یک پدیده اینگونه است که یک عامل در عامل دوم اثر می‌گذارد و عامل دوم در عامل سوم تأثیر می‌کند (غیرمستقیم، غیرمستقل، غیرهمسطح).

◆ در مثال نوشتن اراده انسان از نفس و روح نشأت می‌گیرد و یک رابطه طولی دارند.

◆ در مثال پرورش گل، علت در عرض هم قرار داشتند (در یک ردیف و هر کدام مستقل از دیگری بودند) اما در مثال نوشتن علت‌ها در طول هم هستند در یک ردیف و مستقل نیستند بلکه نسبت به هم در مرتبه‌های مختلف قرار دارند و علت مرتبه پایین، وابسته به علت مرتبه بالایی است.

◆ پس از جنگ صفین و در راه بازگشت از جنگ، مردی از امام علی (ع) سؤال کرد آیا رفتن به جنگ بنا بر قضا و قدر الهی بود، امام فرمود: «آری از

## دین و زندگی ۳

هیچ تپه‌ای بالا نرفتید و در هیچ وادی سرازیر نگشتید مگر به قضا و قدر الهی»

◊ آن مرد پرسید: «پس رنج‌های ما در این سفر آیا به حساب خدا گذاشته خواهد شد و نباید انتظار پاداش داشته باشیم؟»

◊ امام، به برداشت ناصحیحی که در ذهن آن مرد بود اشاره کرد و فرمود: «شاید از اینکه گفتم رفتنمان بنابر قضا و قدر الهی بود، گمان کردی قضا و قدر، جبری و حتمی بود؟ اگر اعمال مردم بر اینگونه بود، پاداش و مجازات بیهوده و باطل می‌شد.»

◊ سؤال: اگر خداوند از قبل سرنوشت و آینده مرا می‌داند، پس دیگر تلاش و اراده من، چه نقشی در آینده‌ام دارد؟ چنین برداشتی از علم الهی، ناشی از مقایسه کردن علم خدای متعال با علم انسان است، کلید پاسخ به این سؤال در این نکته نهفته است که علم خداوند هم پایان و نتیجه امور و هم فرآیند انجام حوادث را دربرمی‌گیرد درحالی‌که علم انسان چنین نیست.

◊ علم خداوند منحصر به نتیجه پایانی فرآیند نیست یعنی علم خداوند، پیش‌بینی صرف درباره نتیجه نیست.



مدرسه مجازی اینو